یادداشت روز

ایستادگی حزب‌الله و جنجال رژیمی پریشان

حزب‌الله لبنان در سال ۱۳۶۴، زمانی که رژیم اسرائیل تا بیروت را به تصرف درآورده بود و دیرزمانی نبود که با قرارداد کمپ دیوید در زمستان ۱۳۵۷ مقاومت آخرین و قدرتمندترین کشور عربی در برابر خود را در هم شکسته و مساحت اشغالی یا تحت کنترل خود را به دو برابر رسانده بود، اعلام موجودیت کرد. در آن روزگار دولت بشیر و امین جمیل رسماً دست‌نشانده اسرائیل در لبنان بود. لبنان از حدود ده سال پیش از تأسیس حزب‌الله درگیر جنگ داخلی شده بود و ۱۵ سال پس از آن هم ادامه پیدا کرد. اسرائیل از سال ۱۳۵۵، یعنی دو سال پس از آغاز جنگ داخلی لبنان، با استفاده از مزدوران لبنانی «ارتش جنوب لبنان» تحت فرماندهی سرگرد سعد حداد با استعداد حدود ۵۰۰۰ نفر به وجود آورد که تا سال ۱۳۷۹، یعنی حدود ۲۵ سال، به‌صورت نیروی خط مقدم ارتش اسرائیل عمل می‌کرد.

تا پیش از تأسیس حزب‌الله، شیعه در وضعیت «ضعیف‌ترین طایفه لبنانی» قرار داشت و از جهت سیاسی هیچ جایگاهی در حاکمیت و از جمله ارتش نداشت. از حیث داخلی، علی‌رغم تلاش‌های بزرگ امام موسی صدر و شیخ مهدی شمس‌الدین و علامه فضل‌الله، در مقایسه با مسیحی‌ها، اهل سنت و دروزی‌ها فاقد ساختار و انسجام لازم بود. از حیث اقتصادی و مالی هم آن‌طور که شهید دکتر چمران می‌گوید در وضع فلاکت‌باری قرار داشت.

حزب‌الله در آن شرایط که کورسویی از موفقیت پیش پای آن نبود، به‌وجود آمد و طی ۱۵ سال تلاش مجاهدانه و با پشت سر گذاشتن مشکلات زیاد و نثار صدها شهید و هزاران مجروح توانست از مجموعه مشکلاتی که برشمردیم، عبور کند و طی حدود ۱۵ سال ارتش غاصب و جنایتکار اسرائیل را کاملاً از لبنان اخراج نماید، ارتش مزدور و خائن جنوب تحت فرماندهی سرهنگ آنتوان لحد را متلاشی و منحل کند، خلأ سازمانی شیعه را پر کند، به جنگ ۲۵ ساله داخلی لبنان خاتمه دهد، عارضه دولت وابسته به رژیم جانی اسرائیل در بیروت را از میان ببرد، حضور مؤثر شیعه در ساختار سیاسی را فراهم و تثبیت کند و لبنان را در حدفاصل ۱۳۷۹ / ۲۰۰۰ تا ۱۴۰۲ / ۲۰۲۳ یعنی به مدت ۲۳ سال به قدرتی بازدارنده برساند.

حزب‌الله پس از پیروزی بزرگ بر رژیم اسرائیل در جنگ تابستان ۱۳۸۵ که در ایران به جنگ ۳۳ روزه مشهور شده و لبنانی‌ها آن را حرب تموز می‌نامند، به موقعیتی فرالبنانی دست پیدا کرد. پیروزی عجیب او بر ارتش مجهز و تحت پشتیبانی همه‌جانبه آمریکا در سال ۸۵ موقعیت منحصربه‌فردی در جهان اسلام و در جهان عرب و حتی فراتر از آن در آمریکای لاتین به حزب‌الله داد و آن را پس از ایران به مقتدرترین و هوشمندترین و بزرگ‌ترین واحد مقاومت تبدیل کرد. بر این اساس در هر تحول منطقه‌ای چشم‌ها به حزب‌الله معطوف بود. بر این اساس مشهور شد که حزب‌الله در به‌زانو درآوردن ارتش غاصب آمریکا در عراق ـ در حدفاصل ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ و نیز در از بین رفتن تروریست‌های تکفیری در این کشور در حدفاصل ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷ نقش اساسی داشته است که البته اندازه این تأثیر در جایی منتشر نشده و خود حزب‌الله هم در این دو موضوع چیزی منتشر نکرده است. کمااینکه همین بحث‌ها درباره شکل‌گیری انصارالله و نقش‌آفرینی حزب‌الله در کمک به یمن در خلال جنگ هشت‌ساله آن با ائتلافی مرکب از ۱۹ کشور و با محوریت سعودی هم وجود دارد و درباره آن هم حزب‌الله چیزی نگفته است.

اما در جنگ جهانی اخیر علیه دولت وقت سوریه که خود جنگ با شکست متجاوزان تمام شد و دولت سوریه به دلایل دیگری فرو پاشید، نقش حزب‌الله در حدفاصل ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ بارز و برجسته می‌باشد. حزب‌الله در این جنگ حتماً یک رکن مهم پیروزی در سوریه و آزادسازی مناطق اشغال‌شده آن توسط تروریست‌های تکفیری می‌باشد. این نقشی است که هم اسناد زیادی درباره آن وجود دارد و هم خود رهبران و فرماندهان حزب‌الله درباره آن سخن گفته‌اند.

جنگ سوریه برای حزب‌الله یک موقعیت خطیر و انتخاب ورود به آن برای حزب‌الله، سخت‌ترین تصمیم دوره حیات او بود و در نهایت رهبر شهید حزب‌الله چند ماه پس از آغاز جنگ، در اوایل سال ۱۳۹۱ با این استدلال که نمی‌تواند خطرات آینده ناشی از پیروزی تکفیری‌های وابسته به آمریکا و عوامل منطقه‌ای آن در سوریه بر امنیت لبنان را نادیده بگیرد، در جنگ سوریه ورود کرد. ورود حزب‌الله به درگیری با مسلحینی که علاوه بر آمریکا، اروپا و اسرائیل، از سوی دولت‌های قطر، عربستان، امارات و ترکیه و در دوره مُرسی از سوی دولت مصر هم به‌طور آشکار و همه‌جانبه حمایت می‌شدند با درگیری‌های حزب‌الله با رژیم اسرائیل در خاک لبنان به کلی متفاوت بود و از این رو تبلیغات شدید دولت‌های عربی علیه حزب‌الله و اتهاماتی از قبیل کشتار سُنی‌ها و از تبدیل شدن از نیرویی مقاومتی به نیرویی توسعه‌طلب و از نیرویی ملی به نیروی نیابتی و از نیرویی با انگیزه‌های معنوی به نیرویی با انگیزه‌های مادی راه افتاد و به حزب‌الله فشار زیادی وارد نمود. ورود حزب‌الله به جنگ شش‌هفت‌ساله سوریه که لازمه‌اش وارد کردن نیروی نسبتاً زیاد به معرکه بود، عوارض دیگری هم برای حزب‌الله داشت چرا که امکان شناسایی نیروها و فرماندهان آن برای دشمنانش فراهم می‌کرد و تمرین آن در جنگی در کوچه‌ها و خیابان‌های یک کشور نگرانی ارتش اسرائیل از آن را مضاعف می‌نمود. اما حزب‌الله با علم به این عوارض، شکست تروریست‌های تحت‌الحمایه در سوریه را خطر مهمی برای امنیت لبنان ارزیابی می‌کرد و خود را ناگزیر به ورود در آن می‌دید. تجربه هم بر این موضوع صحه گذاشت و اینک تمام مرز طولانی شرقی لبنان در معرض تهدید است و هر از گاهی به درگیری مسلحانه بین حکومت جولانی و ارتش لبنان منجر می‌شود.

حزب‌الله پس از تثبیت نسبی دولت اسد در سوریه و با درخواست بشار اسد در سال ۱۳۹۸ به حضور خود در سوریه خاتمه داد و به لبنان بازگشت.

وقتی در نیمه مهر ۱۴۰۲ جنگ رژیم اسرائیل علیه مقاومت فلسطین در غزه شروع شد، حزب‌الله بدون درنگ با حمله به مناطق شمالی فلسطین اشغالی به کمک غزه آمد و حدود ۱۵ ماه بدون وقفه با ارتش اسرائیل درگیر شد و این در حالی بود که کمتر از پنج سال از خارج شدن نیروهای رزمی آن از سوریه گذشته بود و این زمان زیادی برای بازسازی نیرویی که حدود هفت سال درگیر جنگ سوریه بود، حساب نمی‌شود. با ورود حزب‌الله به دفاع از غزه در برابر اسرائیل، انتظار می‌رفت جبهه داخلی لبنان پشت سر حزب‌الله قرار بگیرد چرا که در این‌جا یک سرزمین عربی - اسلامی مستقیماً مورد حملات سنگین و بی‌رحمانه ارتش یهودی قرار گرفته بود. اما جبهه داخلی لبنان در دو ساحه مسیحی و سنی لبنان که در اثنای جنگ سوریه دستخوش تغییراتی به ضرر حزب‌الله و حماس شده بود و نیز محکومیت عملیات طوفان الاقصی نزد دولت‌های عربی مانع همگرایی جبهه لبنانی - عربی به نفع مقاومت لبنان در جنگ با رژیم شد و حزب‌الله حدود ۱۵ ماه جنگ را با غربت محض سپری کرد و این مظلومیت با هر پیشروی ارتش اسرائیل در غزه بیشتر هم می‌شد.

در این اثنا دو درگیری نظامی در سال ۱۴۰۳ میان رژیم اسرائیل و ایران پیش آمد و حزب‌الله به‌صورت محدود به نفع ایران ورود کرد تا اینکه این درگیری‌ها منجر به جنگ سنگین ۱۲ روزه خرداد و تیر ۱۴۰۴ رژیم اسرائیل علیه ایران شد و در نهایت منتهی به جنگ سنگین رمضان میان آمریکا، اسرائیل و نه دولت دیگر و جمهوری اسلامی گردید و در آغاز آن رهبر معظم انقلاب اسلامی، امام سید علی خامنه‌ای به شهادت رسید. این دو جنگ و بخصوص جنگ دوم سبب شد تا حزب‌الله لبنان - به همراه مقاومت در عراق و یمن - در پیوستگی با جبهه مقاومت وارد جنگی جدید با رژیم اسرائیل شود. با توجه به به‌هم‌پیوستگی جبهه آمریکایی، صهیونی و بعضاً عربی در جنگ رمضان علیه ایران، دفاع حزب‌الله از جمهوری اسلامی، خودبه‌خود آن را در معرض دشمنی شدیدتر این جبهه و از جمله جبهه داخلی مخالفان حزب‌الله و دولت‌های عرب جنوب خلیج‌فارس قرار داد و شکست آنان از ایران بر دامنه دشمنی آن‌ها با حزب‌الله افزود و پس از شکست، آنان را در نابود کردن حزب‌الله مصمم‌تر کرد.

حزب‌الله در حدفاصل ۱۹ فروردین تا نیمه شهریور، یعنی یک دوره پنج‌ماهه را در این فضا سپری کرده است و علی‌رغم دو آتش‌بس ظاهری ناشی از تفاهمنامه دوجانبه اسلام‌آباد و مذاکرات سه‌جانبه واشنگتن، تحت بمباران روزانه ارتش غاصب قرار داشته است.

ارتش اسرائیل با راهبرد از بین بردن کامل حزب‌الله، از نیمه فروردین جنگ شدید علیه حزب‌الله را از سر گرفته و در آن با انواعی از حمایت‌های جبهه‌ای پشتیبانی شده است. ارتش اسرائیل تا این‌جا علی‌رغم برتری‌های تکنولوژیکی و پشتیبانی‌های هوایی و اطلاعاتی به هدف اعلامی خود نرسیده و در این فضا ناچار است روی تخریب روستایی یا تصرف تپه‌ای مانور کند و این در حالی است که دولت اسرائیل به دلیل شکست‌های نظامی‌اش از نتایج انتخابات داخلی خود نگران است. ارتش اسرائیل در فضایی که حملات نظامی ایران به پایگاه‌های اصلی آمریکا در منطقه از امارات تا اردن، دولت ترامپ را وادار به تحمل ضربات سنگین و تلفات زیاد کرده و در حالی که ارتش آمریکا پنج ماه است درگیر خارج کردن کنترل ایران بر تنگه هرمز برای تسلط بر خلیج‌فارس و دریای عمان می‌باشد و در آن به کوچک‌ترین دستاوردی نرسیده است، روی تصرف یک تپه در لبنان که هنوز هم واقعیت و چگونگی آن مشخص نیست، مانور می‌دهد و حال آنکه اگر در این مصاف پنج‌ماهه چیزی هم به دست آورده باشد، ممکن است طی چند روز آینده همین را هم از دست بدهد! با شرحی که بر چهل سال پیروزی‌های مکرر حزب‌الله و چهل سال استیصال دشمنان آن در برابر آن نوشتیم، حزب‌الله توماری نیست که بتوان با جنگ و حتی ترکیب جنگ‌ها آن را در هم پیچید.

سعدالله زارعی

پیام بیانیه بیشکک به واشنگتن چیست؟

شانگهای در کنار ایران

سران سازمان همکاری شانگهای در بیانیه پایانی نشست بیشکک، حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران و همچنین تحریم‌های غرب را محکوم کردند.

بیانیه پایانی نشست سازمان همکاری شانگهای در بیشکک، فراتر از یک موضع‌گیری معمول دیپلماتیک، حامل پیامی مهم درباره تحولات نظم جهانی است؛ به‌ویژه آنکه کشورهایی مانند چین، روسیه، هند و پاکستان در کنار ایران، حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی را محکوم کرده و بر حل‌وفصل سیاسی مناقشه تأکید کردند. این موضع‌گیری در سالی صورت می‌گیرد که سازمان همکاری شانگهای، ۲۵ سال از تأسیس خود را پشت سر می‌گذارد؛ سازمانی که امروز از یک چارچوب محدود امنیتی در آسیای مرکزی، به یکی از مهم‌ترین سازوکارهای همکاری میان قدرت‌های آسیایی تبدیل شده است. قرقیزستان نیز در دوره ریاست خود بر این سازمان، شعار «۲۵ سال سازمان همکاری شانگهای؛ با هم برای صلح، توسعه و رفاه پایدار» را برگزیده است؛ شعاری که در سایه تحولات امنیتی اخیر، معنایی فراتر از یک عنوان تشریفاتی پیدا می‌کند. در چنین فضائی، بیانیه بیشکک را می‌توان آزمونی برای همین ادعای «همکاری برای صلح» دانست. اعضای سازمان، در حالی بر مخالفت با اقدامات یکجانبه و ضرورت حل‌وفصل سیاسی بحران تأکید کرده‌اند که جنگ و بی‌ثباتی در غرب آسیا می‌تواند مستقیماً امنیت انرژی، تجارت و مسیرهای ترانزیتی کشورهای آسیایی را تحت تأثیر قرار دهد. اهمیت این موضع زمانی بیشتر می‌شود که نام هند را در میان امضاکنندگان ببینیم؛ کشوری که همزمان روابط راهبردی نزدیکی با آمریکا دارد. بنابراین، حمایت دهلی‌نو را نمی‌توان لزوماً به معنای شکل‌گیری یک جبهه ضدآمریکایی دانست، اما نشان می‌دهد مخالفت با جنگ و اقدامات یکجانبه، فراتر از متحدان سنتی تهران رفته است. برای ایران نیز این موضع‌گیری یک فرصت است؛ فرصتی برای تبدیل حمایت سیاسی اعضای شانگهای به همکاری‌های عملی‌تر در حوزه‌های انرژی، تجارت، ترانزیت و اقتصاد.

مخالفت با اقدامات قهری یکجانبه

اعضای سازمان همکاری شانگهای بدون اشاره مستقیم به تحریم‌های آمریکا علیه ایران و کشورهایی که با تهران تجارت می‌کنند و همچنین تحریم‌های غرب علیه روسیه به دلیل جنگ اوکراین، اعلام کردند با هرگونه «اقدامات قهری یکجانبه» که مغایر با قواعد سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی باشد، مخالف هستند. آنها هشدار دادند چنین اقداماتی می‌تواند «تاثیر منفی بر اقتصاد جهانی» داشته باشد.

حمایت سازمان همکاری شانگهای از حقوق هسته‌ای ایران

رهبران سازمان همکاری شانگهای همچنین از حقوق ایران به عنوان یکی از اعضای پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) حمایت کردند. کشورهای عضو در بیانیه خود بر «حق مسلم» اعضا برای توسعه تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی اتمی «برای اهداف صلح‌آمیز» تاکید کردند و خواستار تداوم همکاری‌های بین‌المللی «عادلانه، پایدار و متقابلاً سودمند» در این زمینه «بدون تبعیض» شدند. اعضای سازمان همکاری شانگهای تاکید کردند هرگونه اقدامی که این حق را محدود کند، «مغایر با حقوق بین‌الملل» است.

آینده جهان به سمت چند قطبی و چندجانبه گرایی پیش می‌رود

سید عباس، عراقچی وزیر امور خارجه کشورمان پس از پایان نشست سران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در گفت‌وگویی اظهار داشت: بیانیه پایانی این اجلاس نسبتا طولانی است. مواضع بیان‌شده در این بیانیه، مواضع خوبی در رابطه با مسائل جهانی است. در قسمتی که به ایران مربوط می‌شود، تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی صراحتاً محکوم شده است. با مردم ایران در رابطه با جنایت‌هایی که صورت گرفته ابراز همدردی شده و به‌ویژه به شهادت رساندن مقام معظم رهبری را به صورت روشن محکوم کرده‌اند. در مجموع بیانیه خوبی بود. یکی دو کشور نیز درباره برخی موارد نقطه‌نظراتی داشتند که با آنها گفت‌وگو کردیم و موضوع حل و بیانیه هم صادر شد.

وزیر امور خارجه کشورمان گفت: بیش از هر زمان دیگری، آینده جهان به سمت چندقطبی و چندجانبه‌گرایی پیش می‌رود و این امر نیازمند همکاری و همبستگی بیشتر میان کشورها است.

وزیر امور خارجه در ادامه خاطرنشان کرد: با چین، پاکستان، هند، ترکیه و دیگر کشورها، مسائل دوجانبه متعددی داریم که هم در حوزه اقتصادی و هم در حوزه سیاسی مطرح است. موضوع روند سیاسی موجود درخصوص یادداشت تفاهم اسلام‌آباد نیز از جمله مسائلی بود که همه درباره آن سؤال داشتند و لازم بود توضیح داده شود که چگونه آمریکا با نقض تعهدات خود، تفاهم اسلام‌آباد را به وضعیت کنونی رسانده است.

وی ادامه داد: همه کشورها می‌گفتند که این یادداشت تفاهم، یک پیروزی سیاسی برای ایران بوده است؛ همان‌طور که شاهد بودید، دبیرکل سازمان ملل نیز به این موضوع اشاره کرد. طبیعی است که از نظر ما راه‌حل بسیار ساده است؛ آنها باید به تعهداتی که خودشان امضا کرده‌اند و به امضای رئیس‌جمهورشان رسیده است، عمل کنند. اگر این تعهدات را انجام دهند، ما نیز تعهدات خود را انجام خواهیم داد. این‌گونه نیست که ما اقدامی انجام دهیم، انجام داده باشیم یا بخواهیم انجام دهیم، بدون اینکه آنها به تعهدات خود عمل کنند.

رئیس دستگاه دیپلماسی افزود: این اجلاس فرصت بسیار مناسبی بود؛ هم مواضع خود را بیان کردیم، هم دیدگاه‌هایمان را توضیح دادیم و هم حقانیت خود را نشان دادیم. همچنین مسائل دوجانبه، از جمله موضوعات اقتصادی و پروژه‌هایی که با مشکل یا مانعی مواجه بودند، مرور و پیگیری شد. خوشبختانه تمایل به همکاری اقتصادی با ایران همچنان قوی است؛ علی‌رغم همه فشارهای اقتصادی و همچنین فشارهایی که آمریکا برای جلوگیری از همکاری کشورها با ایران وارد می‌کند. بیشتر گفت‌وگوهای ما درباره پروژه‌هایی بود که باید اجرا شود و همکاری‌هایی که لازم است انجام گیرد و موانع آنها، از جمله مسائل مربوط به انتقال پول و انتقال کالا، برطرف شود.

در نهایت، بیانیه بیشکک را می‌توان بخشی از تصویری بزرگ‌تر دانست؛ تصویری از آسیایی که در بیست‌وپنجمین سال فعالیت سازمان همکاری شانگهای، بیش از گذشته می‌کوشد در تعریف قواعد امنیت و سیاست بین‌الملل نقش داشته باشد؛ و ایران، در قلب این معادله، یکی از مهم‌ترین آزمون‌های این نظم در حال تغییر است.

هانی‌زاده: اجلاس شانگهای می‌تواند به ایجاد سازوکارهایی برای بی‌اثر کردن تحریم‌های آمریکا علیه ایران منجر شود

حسن هانی‌زاده در گفت‌وگو با خبرنگار مهر، با اشاره به بیانیه پایانی اجلاس شانگهای، اظهار داشت: اجلاس سران شانگهای یکی از تأثیرگذارترین اجلاس‌های این سازمان در سال‌های اخیر بود.

این کارشناس مسائل بین‌الملل گفت: رئیس‌جمهور کشورمان در سخنرانی خود به تشریح تجاوزات و جنایات آمریکا علیه ایران پرداخت و مواضع جمهوری اسلامی ایران را در این زمینه تبیین کرد.

وی افزود: کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در این نشست با ایران ابراز همدردی کردند و حمایت خود را از جمهوری اسلامی ایران نشان دادند.

دیدارهای پزشکیان؛ گامی در مسیر تعامل با کشورهای عضو شانگهای

هانی‌زاده با اشاره به دیدارهای رئیس‌جمهور با سران کشورهای عضو شانگهای تصریح کرد: این دیدارها در ایجاد فضای تعامل و تقویت روابط میان ایران و کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای مؤثر بود و می‌تواند زمینه‌ساز گسترش همکاری‌های سیاسی و اقتصادی میان این کشورها باشد.

وی ادامه داد: بیانیه پایانی اجلاس نشان‌دهنده وجود یک اراده جدی در میان سران کشورهای عضو شانگهای برای مقابله با سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه آمریکا است.

این کارشناس مسائل بین‌الملل بیان کرد: کشورهای عضو شانگهای با ایران ابراز همدردی کردند و نشان دادند که لزوماً تحت تأثیر سیاست‌های آمریکا قرار نخواهند گرفت.

هانی‌زاده گفت: بیانیه پایانی اجلاس شانگهای پیامی روشن به آمریکا داشت؛ مبنی بر اینکه یک جبهه اقتصادی جدید در حال شکل‌گیری است و سیاست‌های آمریکا موجب شده جهان بیش از گذشته به سمت قطب‌بندی حرکت کند.

وی افزود: کشورهای عضو شانگهای می‌توانند با تقویت همکاری‌های اقتصادی، زمینه ایجاد یک اقتصاد پایدار در شرق را در برابر ساختار اقتصادی تحت نفوذ آمریکا و اروپا فراهم کنند.

هانی‌زاده با اشاره به تهدیدهای دونالد ترامپ برای اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران اظهار کرد: این نشست می‌تواند زمینه ایجاد سازوکارهایی برای بی‌اثر کردن تحریم‌های آمریکا علیه ایران را فراهم کند.

وی تصریح کرد: به نظر می‌رسد رویکردهای جدیدی در میان کشورهای عضو شانگهای برای ایجاد یک ساختار اقتصادی شرقی در برابر سیاست‌های آمریکا در حال شکل‌گیری است.

این کارشناس مسائل بین‌الملل در پایان گفت: رویکرد کشورهای عضو شانگهای به سمت ایجاد یک ارز مشترک برای مبادلات درون این منظومه است؛ اقدامی که می‌تواند وابستگی به دلار را کاهش داده و زمینه شکل‌گیری یک نظام مالی مستقل در برابر سلطه اقتصادی آمریکا را فراهم کند.

قالیباف: جهان، در حال تماشای آمریکا بر لبه پرتگاه است

رئیس مجلس شورای اسلامی خطاب به وزیر خزانه‌داری آمریکا گفت: کاهش سریع ذخایر استراتژیک، افزایش بی‌سابقه نرخ بازده اوراق و جهش پرشتاب قیمت نفت آتی، بسنت را در لبه پرتگاه قرار داده است.

محمد باقر قالیباف رئیس، مجلس شورای اسلامی خطاب به وزیر خزانه‌داری آمریکا با انتشار پستی در یکی از شبکه‌های اجتماعی نوشت: «قیمت نفت آتی عمان، بازده اوراق قرضه دولت آمریکا و میزان ذخایر استراتژیک نفت را خوب تماشا کن».

وی در ادامه افزود: «قهرمان! هرچی زور داری بزن که در قیمت نفت آتی بیشتر مداخله کنی! چون کل حرفه تو به این بستگی دارد. یا اینکه به تخلیه نفت از ذخایر استراتژیک بیشتر از حد خطرناک ادامه بده و سقوط غارهای نمکی ذخیره نفت در اثر کاهش شدید ذخایر را تماشا کن، یا به خداهای نمک تگزاس پناه ببر و دعا کن که چاه‌های ذخیره سقوط نکنند. دنیا پاپ کورن خریده و تو را تماشا می‌کند».

در توضیح این توئیت رئیس‌مجلس ذکر سه نکته ضروری است:

۱. بسنت برای پایین آوردن بازدهی اوراق بلندمدت (به‌ویژه ۱۰ساله) دست به خریدهای بازخرید در بازار اوراق بدهی آمریکا به امید کاهش هزینه استقراض پیش از انتخابات میان‌دوره روی آورده است. اما بازار تا حد زیادی در برابر این مداخلات مقاومت نشان داده و بازدهی‌ها بالا مانده یا حتی بالا رفته است. منتقدان (از جمله برخی چهره‌های قدیمی وال‌استریت مثل استنلی دراکن‌میلر) این اقدامات را ناکارآمد و بی‌اثر می‌دانند و بازار را در لبه پرتگاه ارزیابی می‌کنند.

۲. به دلیل جنگ با ایران و اختلال در تنگه هرمز، دولت ترامپ (از طریق وزارت انرژی) حجم عظیمی از نفت SPR از طریق تبادل اضطراری آزاد کرده است. سطح ذخایر به پایین‌ترین میزان از اوایل دهه ۱۹۸۰ رسیده (در برخی گزارش‌ها نزدیک یا زیر ۳۰۰ میلیون بشکه و حتی نزدیک به محدوده خطر قانونی حدود ۲۵۲ میلیون بشکه).

ذخایر استراتژیک نفت در غارهای نمکی عظیم زیرزمینی در تگزاس و لوئیزیانا ذخیره می‌شود؛ یکی از مهم‌ترین سایت‌ها Bryan Mound در نزدیکی تگزاس است. تخلیه بیش از حد این غارها ریسک‌های ساختاری دارد: فشار هیدرولیکی، پایداری دیواره‌های نمکی، یکپارچگی چاه‌ها و امکان فروریختن یا آسیب دائمی به ظرفیت ذخیره‌سازی. گزارش‌های کارشناسی متعدد قبلاً به مسائل کیفیت کار، تغییر شکل چاه‌ها و ریسک در سایت‌هایی مثل Bryan Mound اشاره کرده‌اند.

۳. برخی معامله‌گران نفت با سیگنال‌های بسنت به کاهشی بودن قیمت‌های آتی نفت امیدوار شده‌اند و این در حالی است که قیمت آتی نفت عمان و امارات که نشان‌دهنده انتظار بازار از وضعیت لاین موازی عبور از هرمز ارزیابی می‌شود، در روزهای گذشته از ۱۰۰ دلار هم عبور کرده است. آمریکا روی کاهش قیمت نفت آتی این کشورها در نتیجه بازی‌های روانی و اطمینان دادن نسبت به بازگشایی لاین جنوبی هرمز حساب کرده بود. این انتظارات از قیمت آتی نفت، در کنار ته کشیدن ذخایر استراتژیک و افزایشی شدن نرخ بازده اوراق قرضه، وضعیتی بغرنج برای بسنت و دولت ترامپ ایجاد کرده است که تلاش می‌کنند با لفاظی در مورد ایران آن را لاپوشانی کنند اما شاخص‌ها شفاف‌تر و صریح‌تر سخن می‌گویند.

خبر ویژه

ناراحتی آمریکا و روحانی از بسته بودن تنگه هرمز

در حالی‌که آمریکای خونخوار از بسته بودن تنگه هرمز درمانده است، روحانی در جلسه اخیر خود به کمک ترامپ و کل رژیم آمریکا آمد و گفت که تنگه هرمز باید پررونق و برای ما اهرم امنیت باشد، تنگه بی‌کشتی به چه درد می‌خورد؟ ما نمی‌خواهیم تجارت جهانی را مختل کنیم(!)

روحانی که یکی از تئوریسین‌ها و عوامل گفتمان بیا بزن و بدیم بره است، در دوران ریاست جمهوری خود، صنعت هسته‌ای را به دشمن داد و می‌خواست توان موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران را هم با رژیم مطبوعش معامله کند که با نهی امام شهید ناکام ماند و اگر نبود، عقلانیت و حکمت آقای شهید ایران، روحانی و همقطارانش، ایران را به لیبی تبدیل کرده بودند. این شخص امروز می‌گوید تنگه را هم بدهیم برود. درست در جهت نفع آمریکا که می‌خواهد کنترل تنگه را از دست ایران خارج کند اما همان‌طور که با پاسخ قاطع و کوبنده نیروهای مسلح مواجه شد، پادوهای رژیم تروریست آمریکا که در داخل منافع آن را تأمین می‌کنند، باید مورد پیگرد قضائی قرار گیرند نه اینکه آزاد باشند هرچقدر می‌خواهند مطلوب آمریکا را فریاد بزنند و با امنیت کشور بازی کنند.

آمریکایی که با موشک، عروسی ایرانی را به خاک و خون می‌کشد و باید از منطقه خارج شود، این‌طور در داخل توسط روحانی حمایت و پشتیبانی می‌شود، از بسته بودن تنگه هرمز این‌طور فریاد برمی‌آورد و اعتراض می‌کند، چقدر راحت جنایات جنگی آمریکا را می‌شوید و این رژیم را تبرئه می‌کند تا مطمئن باشد افراد و طیفی داخل ایران هستند که تا براندازی و تجزیه ایران، حامی آمریکا هستند و هیچ جنایتی برای دشمن هزینه‌ای ندارد.

همین پالس‌های ضعف و ناتوانی توسط افراطیون مدعی اصلاح‌طلبی بود که به دشمن جرأت ترور امام شهید را داد. با وجود این شرایط، ایران اسلامی تا آخر بر اعمال حاکمیت خود بر تنگه هرمز ایستاده است و ملت مبعوث، دیگر و مِن بعد اجازه جولان عناصر دشمن را نخواهد داد. رهبر حکیم انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی امام سید مجتبی حسینی خامنه‌ای تأکید کردند: «بیگانگانی که از هزاران کیلومتر دورتر، طمع‌کارانه در آن [خلیج‌فارس] شرارت می‌کنند، جایی در آن ندارند مگر در قعر آب‌هایش... ایران اسلامی با شُکر عملی نعمت اِعمال مدیریت بر تنگه هرمز، منطقه خلیج‌فارس را ایمن خواهد کرد و بساط سوءاستفاده‌های دشمن متخاصم را از این آبراه برخواهد چید». روحانی علاوه‌بر این، صدا و سیما را به ملی نبودن متهم کرد و بار دیگر عصبانیت طیف مدعی اصلاحات و تسلیم‌خواه از ایستادگی این سازمان بر اصول انقلاب را نشان داد. الیگارشی غربگرا و فاسد، صداوسیما را روابط عمومی خود می‌خواهد اما این راه مسدود است.

دروغ کاخ سفید در اردن فاش شد

پرتابه‌های ایران در غیبت موشک‌های رهگیر آمریکا، بدون مزاحمت به قلب پایگاه تفنگداران دریایی نشست؛ اما ترامپ بر کاهش سامانه‌های رهگیر سرپوش نهاد و گفت: مهمات نامحدودی داریم و هرکس تأیید نکند، «راذل» است.

«کمپ تیتین»، میزبان نیروهای تفنگداران دریایی آمریکا در اردن، بدون مزاحمت سامانه‌های پدافندی مورد اصابت موشک‌های بالستیک سپاه قرار گرفت؛ پس از «غیبت موشک‌های رهگیر» در حمله ایران به پایگاه آمریکایی-اردنی، گزارش رسانه‌های آمریکایی در خصوص کاهش سامانه‌های پدافندی مجدداً در صدر اخبار قرار گرفت و دروغ کاخ سفید را در اردن فاش کرد.

«الکس جونز»، تحلیلگر، مستندساز و پادکستر مشهور آمریکایی نوشت: «پنتاگون به ترامپ هشدار داده بود که جنگ را دوباره آغاز نکند؛ چون ذخایر مهمات آمریکا رو به اتمام است ... اینکه ایران توانسته بدون شلیک حتی یک موشک رهگیر، پایگاه کمپ تیتین در عقبه را هدف قرار دهد، نشان می‌دهد آمریکا کاملاً غافلگیر شده و آمادگی لازم را نداشته است».

ترامپ پیش از این در بامداد پنجشنبه (۱۵ مرداد ۱۴۰۵) با انتشار پیامی در «Truth Social» مدعی شد: «ایالات متحده مقادیر عظیمی «مهمات» در اختیار دارد، به‌ویژه از انواع خاصی از آن‌ها. به‌علاوه، مقادیر زیادی در حال تولید و ارسال به داخل آمریکا بر اساس نیاز است. شرکت‌های دفاعی در حال ساخت بیشترین تعداد کارخانه و تأسیسات تولیدی در تاریخ کشور ما هستند».

رئیس‌جمهور آمریکا چندی پیش نیز مجدداً کمبود تسلیحات و سامانه‌های رهگیر را رد کرد و نوشت: «برای اراذل خائنی که حاضر نیستند گزارش دقیقی از عملیات نظامی ما در ایران ارائه دهند، باید بگویم که ما مقادیر عملاً نامحدودی از مهمات با کیفیت متوسط تا بالا در اختیار داریم، بسیار بیشتر از آنچه که برای این عملیات، یا هر جنگ دیگری (که بسیار بعید است رخ دهد!) و احتمالاً هرگز اتفاق نخواهد افتاد، نیاز داشته باشیم»؛ علی‌رغم ادعای ترامپ، اصابت دقیق و بدون مزاحمت موشک بالستیک ایرانی به پایگاه آمریکایی در «عقبه»، صحت گزارش کمبود ذخایر را تأیید و دست ترامپ را رو کرد.

وزیر دفاع آمریکا نیز به تبعیت از ترامپ که کاهش ذخایر را «دروغ» و «منتقدین» را «راذل» خواند، نسبت به گزارش‌های پنتاگون و اظهارات منتقدین موضع گرفت و آن‌ها را «احمقانه» دانست.

«مارک کلی»، سناتور ایالت «آریزونا» ۱۰ می ۲۰۲۶ (۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۵) با حضور در یک برنامه تلویزیونی گفت: «پس از جلسات توجیهی پنتاگون درباره ذخایر مهمات، از جمله موشک‌های تاماهاوک، ATACMS و پاتریوت به این نتیجه رسیدم که ما مهمات زیادی مصرف کرده‌ایم و این یعنی مردم آمریکا امنیت کمتری دارند».

یک روز پس از مصاحبه سناتور آمریکایی، «پیت هگزت»، وزیر جنگ آمریکا در شبکه اجتماعی ایکس به اظهارات کلی واکنش نشان داد و آن‌ها را «احمقانه» توصیف کرد.

هگزت نوشت: سخنان «کلی» در مورد گزارش طبقه‌بندی‌شده پنتاگون که دریافت کرده است، یاوه‌گویی و احمقانه است.

وزیر دفاع آمریکا همچنین در تاریخ ۲۷ آگوست ۲۰۲۶ برای بازدید از شرکت «اوشکوش» در پاسخ به سؤال خبرنگاری که نسبت به ذخایر مهمات پرسش داشت، گفت: «سؤال احمقانه نپرسید!». سؤالاتی که به تعبیر هگزت «احمقانه» است، پس از اصابت دقیق و بدون مزاحمت موشک ایران به پایگاه اردنی یک بار دیگر از سوی منتقدین ترامپ در حال طرح شدن است.

گفت و شنود

فرقش چیه؟!

گفت: آقای روحانی، رئیس‌جمهور اسبق گفته است؛ «تنگه هرمز بی‌کشتی به چه درد می‌خورد»؟!

گفتم: یعنی از نظر ایشان باید ناوهای آمریکایی و کشتی‌های جنگی دشمنان ایران اسلامی در آن تردد داشته باشند تا به درد بخورد؟!

گفت: ایشان می‌گوید؛ «تنگه هرمز باید پررونق و برای ما اهرم امنیت باشد»!

گفتم: همان مقامات آمریکایی که حرفشان برای آقای روحانی حجت است(!) بارها اعلام کرده‌اند که اهمیت تنگه هرمز برای امنیت ایران از بمب اتم هم بیشتر است. بنابراین باید از ایشان پرسید کدام اهرم امنیت منظور ایشان است؟!

گفت: ایشان می‌گوید ما نمی‌خواهیم تجارت جهانی را مختل کنیم!

گفتم: باید گفت، ما هم نمی‌خواهیم جان و مال مردم ایران را فدای رونق تجارت جهانی بکنیم!

گفت: کجای این سخنان آقای روحانی